

# معامله گری سخت تر از آنست که فکر میکنید

## پیچیدگی های معامله گری

در نگاه اول ، ترید سخت به نظر نمیرسد: شما می توانید هم بخرید و هم بفروشید. همزمان سود بالقوه ای که یک تریدر میتواند کسب کند بدون محدودیت به نظر می رسد ، بخصوص زمانی که اهرم (لوریج) به سرمایه اولیه اضافه گردد.

ترکیب این دو عامل با هم (امکان هم خرید و هم فروش و استفاده از اهرم) ، زوج ایده آلی را برای بازاریاب های باهوش و بنگاه هایی که ترید را تبلیغ می کنند بوجود می آورد.

بسیاری از افراد، به این دلیل به معامله گری علاقمند می شوند که معامله گری را خیلی شسته و رفته می بینند یعنی شما روبروی مانیتور می نشینید و یکی از دو دکمه خرید یا فروش را انتخاب می کنید، دیدید زیادم سخت نبود؟

اما به مرور زمان که شروع به درک کل مفهوم معامله گری بکنید ، متوجه میشوید که در هر روز ، باید به سوالات پیچیده ای پاسخ دهید و تصمیماتی بگیرید که این پاسخ ها و تصمیمات مشخص می کنند استراتژی معامله گری شما در کسب پول برنده است یا بازنده.

## اولین تصمیمات درباره استراتژی معاملاتی شما

قبل از انجام حتی اولین تریدتان، سوالات زیادی برای پاسخ دادن وجود دارند ، سوالاتی که هر کدامشان باعث خستگی و زدگی افراد تازه وارد به دنیای مالی خواهد شد و خبر

بد اینکه، تمام جنبه ها و مفاهیم با هم پیوستگی دارند و تنها فراموش کردن و بحساب نیاوردن یکی از آنها استراتژی شما را کاملا شکننده و ویران میکند.

بازارهای مالی تفاوت‌های زیادی با همدیگر دارند، و هر کدام شان نیاز به مهارت‌های متفاوت و ذهنیت خاص خود دارند.

برای مثال، از میان بازار های سهام با لوریج (اهرم) پایین که نیازمند موجودی حساب بالاتری هستند، و بازار بیست و چهار ساعته و پنج روز در هفته فارکس که در آن اعطای لوریج بالا تریدرها را قادر می سازد که تنها با دویست دلار بتوانند بطور بالقوه سودهای کلانی بسازند، کدام را می پسندید؟ بازار مستقیم و روبه جلوی اسپات را ترجیح می‌دهید، یا به آپشن های پیچیده و بازارهای آتی علاقه مندید؟

اگر همین اولین تصمیم تان را گرفتید، آن وقت باید ابزارهای مالی ای (instruments) را انتخاب کنید که وارد دیده بان تان (watch list) جهت بررسی تخصصی تر شود.

اگر بخواهید ترید را با زندگی روزانه تان ترکیب کنید، زمان و افق زمانی عوامل تاثیرگذار عمده هستند، که به تبع باید با موضوع زمان به سوالاتی درباره استراتژی معامله گریتان پاسخ دهید. سوالاتی نظیر این که، آیا می خواهید تریدر روزانه باشید یا روی سویینگهای بلند مدت ترید کنید؟ (با پاسخ به این سوال شما در واقع تایم فریمی که می خواهید در آن ترید کنید و مدت زمانی که می خواهید یک معامله را باز نگه دارید را مشخص می کنید).

اگر شما هنوز یک تریدر تمام وقت نیستید، باید به فکر پیدا کردن راهی برای ادغام معامله گری با زندگی عادی تان باشید. علاوه بر این باید ابزار های معاملاتی خود را

مشخص کنید، تعیین کنید از چه اندیکاتور ها و چه الگوهای پرایس اکشن می خواهید استفاده کنید.

با وجود اینکه انتخاب و ترجیح روش ها و اندیکاتورها یک مساله فردی است و نیاز به شخصی سازی دارد ، اما غوغایی که انجمن ها و فروم های مالی برای فروش بهترین و آسانترین استراتژی های معامله گری به راه انداختند ، مهمترین دلیلی است که خیلی از تریدرهای خردپا هیچ وقت نمی توانند راهی به سوی یک معامله گری سودآور پیدا کنند.



## تصمیمات معامله گری قبل از اقدام به انجام معامله

بعد از اینکه جواب سوالات بالا را دادید، شما آمادگی رفتن به مرحله بعد را پیدا می کنید.

وقتی استراتژی معاملاتی خود را پیدا کردید، باید معیارهای ورود را به صورت خیلی واضح مشخص کنید. اهمیت و اولویت تک تک معیارهای ورود را تعیین کنید و مشخص کنید که معیارهای ورود مختلف بر نرخ برد (**win rate**) شما چه تاثیری میگذارند.

سپس، از خودتان صادقانه بپرسید، که آیا واقعا یک لبه (**edge**) داشته اید (یعنی قبل از ورود به میدان در کنار زمین گرم کرده اید). آیا استراتژی معامله گریتان را بدون کلک و دروغ گفتن به خودتان و تحت شرایط نزدیک به واقعیت **بک تست** کرده اید؟ آیا به صورتی که رفتارتان شبیه کار با پول واقعی باشد به معامله در **حساب دمو** پرداخته اید؟ آیا برای **سازگاری با بازارهای در حال تغییر** آمادگی لازم را دارید؟ یا اصلا می توانید مشخص کنید که آیا بازار در حال تغییر است یا نه؟

و البته، شما باید، با یک، رویکرد مدیریت ریسک فکر شده و ساختار یافته، کنار بیایید. اندازه حساب شما (**account size**) به تنهایی تاثیری مهمی بر عملکرد معامله گری شما دارد. وقتی اندازه حساب شما خیلی کوچک باشد معامله گری تان خیلی بی نظم و آشفته خواهد بود و زمانی که حساب خیلی بزرگ باشد، تصمیمات معامله گری شما تحت کنترل ترس و طمع قرار خواهد گرفت.

پس سوال اول اندازه حساب برای شروع چقدر باید باشد؟ سوال دوم، استراتژی تعیین سائز پوزیشن ورود شما چیست؟ آیا شما به دلخواه یک درصدی از حساب را برای هر معامله در نظر می گیرید و یا اینکه نه، تعیین سائز پوزیشن را بسته به کیفیت ستاپها

تعیین می کنید؟ و آخرین سوال حداکثر مقدار مواجهه با ریسک که برای شما در همه معاملات بازتان قابل پذیرش باشد چقدر است؟ و آیا شما فاکتور قسمت قبل را برای ورود در پوزیشن جدید در همبستگی با سایر پوزیشن های باز ، در نظر می گیرید یا نه؟(یعنی اگر پوزیشن های بازتان با توجه به سایششان ، حداکثر ریسک قابل پذیرش شما را پوشش داده باشد ، بازهم پوزیشن جدید باز می کنید یا نه )



## تصمیمات معامله گری در زمانیکه شما در یک معامله

### هستید.

زمانی که پاسخ همه ی سوالات فوق را به صورت شفاف دادین ، آماده اید برای انجام ترید(معامله).اما زمانی که در معامله هستید، بخاطر اینکه تحت فشار بازار واقعی هستید با مجموعه مشکلات متفاوتی سرو کار دارید. لذا اینکه شما سوالاتی را از قبل و پیش از ورود به معامله جواب داده باشید اهمیت زیادی دارد ، چرا که حالا باید آماده اجرای پلن معاملاتی تان بدون اینکه نیاز به تفکر زیاد داشته باشید، باشید.

سوالاتی در مورد 1- پولی که درگیر ریسک میکنید 2- مفاهیم مدیریت ریسک شامل مقیاس ریسک در جز معاملات و در کل سرمایه و 3-ریسک افزایش یافته بخاطر معامله گری در صورتی که پوریشن های بازی را در ابزارهای مالی دارای همبستگی داشته باشید.

علاوه بر این آیا فکری بحال توسعه نسبت ریسک به ریوارد تان در خلال معاملات تان کرده اید؟

روشی که برای مواجهه با موانعی نظیر رویدادهای خبری، اتفاقات غیر قابل انتظار سیاسی و ژئوپولیتیک، یا نگهداشتن ترید در خلال تعطیلات بازار بکار می برید ، نیز وابسته به رویکرد مدیریت ریسک شما خواهد بود.

مفاهیم ریسک همچنین ارتباط تنگاتنگی با سوالات مدیریت معامله گری دارند.

مهمترین سوالات مدیریت معامله گری ، مربوط به مدیریت حد ضرر و کسب سود است.

آیا شما زمانی که معامله در جهت دلخواه شما حرکت میکند دستور استاپ لاس خود

را جابجا میکنید؟ اگر جوابتان مثبت است، آیا برای اینکار از یک استراتژی پیچیده و تست شده استفاده می کنید یا اینکه به صورت تصادفی و شانسی مقدار استاپ لاس را جابجا میکنید؟

همین موضوع در مورد نقطه کسب سود نیز صدق می کند. بسیاری از معامله گران سود ناقص و ناکاملی را از بازار کسب میکنند، بخاطر اینکه یک پولبک جزئی را با تغییر در روند اشتباه میگیرند و از معامله با سودی جزئی خارج می شوند.

بنابر این با حوصله تمرکز کنید و قوانین خود را برای مدیریت حد ضرر (**stop loss**) و کسب سود (**take profit**) بنویسید. آنها را تست کنید و عملکرد حاصل از آنها را تحلیل کنید تا مشخص شود آیا می توان از این بهتر بود یا خیر.

و در آخر، آنچه بیرون از نمودار روی می دهد نیز، همانند تصمیمات معامله گری شما در چارت قیمت، مهم می باشد.

یک پلن معاملاتی که شما در آن سناریوی معامله گریتان را با جزئیات طرح ریزی کرده، و معامله هایتان را پیش از آنکه اتفاق بیافتند، برنامه ریزی کرده باشید، دقیقا تفاوت یک معامله گر حرفه ای و سودآور با یک معامله گر آماتور و همیشه بازنده است (**به زودی - تمپلیت پلن منتشر خواهد شد**).

دومین ابزار بسیار مهم برای یک معامله گر ژورنال معامله گری اش می باشد.

ژورنال معامله گری محلی است که یک معامله گر همه معاملات گذشته اش را با هدف یافتن راهی به سوی توسعه مهارتهای معامله گری (**edge**) و شناسایی نقاط ضعف خود، در آن ثبت میکند.

علت اینکه چرا فقط معامله گران محدودی هستند که از هر دوی این ابزارهای مهم استفاده می کنند ، اینست که اینکار نیازمند نظم و انضباط و کار زیادی است. و البته وجود این دو ابزار یکی از تفاوت‌های میان معامله گران حرفه ای و پرسود و معامله گران آماتور و ضرر ده می باشد





## نتیجه معامله گر بودن یعنی تصمیم گرفتن.

با وجود اینکه ترید در نگاه اول ساده به نظر می رسد، اما تبدیل شدن به یک معامله گر سودآور نیازمند یک نگرش و ذهنیت فوق العاده حرفه ای می باشد.

یک معامله گر هر روز با انواع مسائل و موضوعات بسیار پیچیده سر و کار دارد. لذا مجبور است از راه های پیچیده و تست شده ای برای مدیریت معاملاتش قبل ، حین و پس از رخداد آنها استفاده نماید.

هدف این مقاله ترساندن شما نبود، بلکه منظور از انتشار این مقاله آگاه کردن شما نسبت به پیچیدگی های معامله گری و انجام توصیه هایی به منظور استفاده از آنها در زندگی روزمره تان بعنوان یک تریدر برای کسب سود بیشتری از استراتژی معاملاتی تان بود.